

شهید محمود نعمتی لنگان

ولادت: ۱۳۳۹/۱۰/۲۰، استان مازندران

دانش آموخته کاردانی رشته بینایی سنجی دانشگاه شهید بهشتی

شهادت: ۱۳۶۷/۴/۴، جبهه جنوب

آرامگاه: رامسر، گلزار شهدا

زندگی نامه

شهید محمود نعمتی لنگان در بیستم دی ماه ۱۳۳۹ در شهرستان رامسر به دنیا آمد. پیش از مدرسه به مکتب خانه می رفت و در دوران تحصیل به مطالعه کتاب های شهید مطهری بسیار علاقه مند بود. پس از اتمام دوره متوسطه در تنکابن، مدرک کاردانی خود را در رشته بینایی سنجی دانشگاه شهید بهشتی تهران اخذ نمود و پس از آن مدرک کارشناسی را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت کرد و طرح خود را در درمانگاه خیریه و کلینیک مشهد گذراند. او در جبهه مسئول دسته و مسئول گروهان بود و در چهارم تیر ماه ۱۳۶۷ در عملیات آزادسازی مهران بر اثر اصابت گلوله به سر و ناحیه کتف راست به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

وظیفه شرعی و وجدانی ما، ادامه جنگ تا سقوط صدام و رژیم بعث عراق است. خدایا! اگر تو مرا ترک کنی، چه کسی مرا دریابد؟ خدایا! مرگ ما را شهادت در راهت قرار بده. امام خمینی عاشق اهل بیت است و ما هم باید خالصانه عاشق امام شویم و در راهش جان ناقابل را هدیه کنیم. خدایا! ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار باشیم و ماندیم.

امروز، روز ایثار و فداکاری است؛ صحنه نبرد و از جان گذشتگی است. امروز، روز عمل است. جنگ باعث عزت و عظمت ما گردید و ما را از گمراهی و بدبختی نجات داد. هم اکنون که راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هستیم، فقط دو فکر در سر می‌پرورانم: یکی شهادت در راه خداست که نصیب هر کس نمی‌شود و دیگری پیروزی اسلام بر کفر است و اگر یکی از آن‌ها نصیب شد، سعادت خود را در آن می‌بینم و به آن افتخار می‌کنم.

امروز وظیفه دینی و شرعی ما حکم می‌کند که جبهه‌ها را پر از نیروهای مجاهد کنیم و کار جنگ را یک‌سره نماییم و شرّ اجانب را از سر مسلمان جهان کوتاه و قطع کنیم.


خنجر آبدیده رنگ عوض نمی‌کند پیکر انقلاب را جنگ عوض نمی‌کند

بگو تو به منافقین، به کوری دو چشمشان پیرو خط رهبری، رنگ عوض نمی‌کند

خدایا! ما را یک لحظه به خودمان وامگذار و ما را در مسیر صراط مستقیم ثابت‌قدم و استوار بدار و ما را از بندگان خالص خودت قرار ده؛ **إن شاء الله**.

ای امت حزب‌الله! امام را تنها نگذارید و به گفته‌هایش جامعه عمل بپوشانید و صدای مظلومیتش را به گوش جهانیان برسانید. جبهه‌ها را خالی نکنید. سنگرها را پر از دعا و نیایش کنید.

امروز بر همه مردم، مخصوصاً قشر جوان واجب است که در این جنگ خود را آماده کنند و به میادین نبرد بروند و کار جنگ را هر چه سریع‌تر به نفع اسلام و مسلمان خاتمه دهند.



ای مادر عزیزم! مرا به بزرگواری تان بخشید و اشتباهاتم را به دل نگیرید. شاید من بتوانم برای شما در روز قیامت شفاعت کنم. ای پدر عزیزم! شما که در حیات نیستید که من از شما طلب مغفرت کنم، اما این را می دانم که پدر نقش عمده و اساسی در رشد جسم و تعالی روح دارد.

برادر عزیزم! شما باید از دستاوردهای انقلاب اسلامی خوب مواظبت کنید. نه این که صرفاً در میدان جنگ مبارزه کنید؛ بلکه پشت جبهه ها هم باید سلاح رزم را در دست بگیرید و در مراسم مذهبی مخصوصاً در مراسم عزاداری امام حسین (ع) و دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمعه شرکت داشته باشید و پشتیبان واقعی ولایت فقیه باشید.

خواهر عزیزم! من این راه را خودم برگزیدم و از مولایم حسین بن علی (ع) آموختم که «هیئات من الذلّه» و تا آخرین قطره خون به آن پای بند خواهم بود. در شهادت من زیاد گریه و زاری نکنید؛ چون شهید از همه افراد افضل تر است. شما با حجاب تان و از بین بردن فساد و فحشا و زینب گونه بودن، راه شهدا را ادامه خواهید داد.

